تیتر روز

بیل گیتس و همسرش ملیندا تصمیم به جدایی گرفتند

بزرگان فامیل: حالا یه نسخه ویندوز دیگه هم به دنیا می‌آورد این شاید اختلافات زندگی‌تون حل می‌شد!

راکت ۲۱ تنی چین به صورت کنترل نشده داخل جو زمین سقوط می‌کند

دارکوب: اگه روی سر ما نیفته می‌تونیم بگیم اون‌قدر هم تو زندگی بد شانس نبودیم!

فروش بلیت پرواز و خدمات سفر به هند در ایران بدون مانع اعلام شد

دارکوب: رفتنش با خودمونه، برگشتش با خدا!

مستاجران حقوق خود در دوران کرونا را فراموش نکنند (ایرنا)

مستاجران: ما که فراموش نکردیم، ولی بقیه خودشون رو به فراموشی می‌زنن!

نیکزاد، وزیر اسبق مسکن: اگر مسکن مهر نبود، امنیت کشور به خطر می‌افتاد

ساکنان بعضی واحدهای مسکن مهر: حالا که هست امنیت ما به خطر افتاده!

تهیه کننده سریال احضار: اگر می‌خواستیم ترسناک بسازیم، کاری می‌کردیم بزرگ‌ترها هم قالب تهی کنند!

بینندگان: از خنده منظور تونه؟!

معاون آبفا: تغییر تعرفه آب در برنامه نیست

مشترکان: نکنه می‌خواین با تغییر تعرفه فاضلاب جبران کنین؟!

کله چغوکی

آق کمال کولر راه می‌اندازد!

آق کمال
همه کاره و هیچ کاره

چند روز بود عیال مُگفت: «دهن روزه هلاک شدیم تو این گرما، نمی‌خوای بری کولر رو راه بندازی؟» و هر بار موخودمه جمع مکردُم که برُم بالا پشت بوم، عیال با یَگ حالت عذاب وجدان طوری مگفت: «نمی‌خواد حالا تو این آفتاب بری بالا، بذار دم افطار که هوا خنک شد برو» و مویم دم افطار تبدیل مشدُم به یَگ متکا و قضیه می‌افتاد بری فرداش. لابد یادتانه که ما بالای خانه خُسرُم زندگی مکنِم. طبیعتا پشت بام‌مان هم مشترکه و کولر اونایَم بغل کولر مایه و هر سال موجفت کولر را ره راه مندازُم. بری همی راه انداختن کولری که برای هر کی سخته، بری مودو برابر سخته و زمان مِبره! یَگ دلیل فرار کردن ازش ایه، یَگ دلیل دگه‌اش هم ایه که چون آقای دکتر، یعنی بابای کاملیا خانم خیلی دقیقه و مِشه گفت یَگ جور ایی و اسواسیه، آدم پشیمون مِشه که براش کاری بکنه. بنده خدا تقصیری هم ندره و دست خودش نیست ولی اِنقدر مِگه ای کاره بکن و او کاره نکن که آدم بیزار مِره. بری همی هر بار که مخوام براشان کاری بکنُم، سعی مکنُم بی‌خبر انجام بدُم تا تِموم بره و کمتر حرص بخورِم جفت‌مان!

ای چند روزی که هوا خنُک رفته بود و تعطیلی هم داشتِم، بهترین موقعیت بود که برُم جون کندنی ره بکنُم. وسایل ره جمع کردُم و رفتُم رو پشت بوم. حواسُم بود که سروصدایی نشه تا خسرُم نفهمه. به عیال هم گفته بودُم چیزی نگو بهشان تا کارُم که تموم رفت سورپرایزشان کنُم! هم دست که به اولین پوشال زدُم یَگ‌هو دیدُم آقای دکتر از تو کانال کولر داد مِزنه: «کی بالای پشت بومه؟» اولش خواستُم جوابشه ندُم ولی دیدُم الان با دسته بیل میِه بالا، از تو کولر داد زدُم: «مویُم آقای دکتر، چیزی نیست» گفت: «عه تویی کمال جان؟ ترسوندیم پسرم! چی کار داری اون بالا؟» مِن‌مِن کردُم و گفتُم: «هیچی آمدُم یَگ سری به پشت بوم بزنُم...» از همونجی داد زد: «دستت درد نکنه، پس حالا که بالایی بمون تا منم بیام با هم کولرها رو راه بندازیم. البته اگه وقت و حوصله‌اش رو داری؟» انا حالا خوب رفت! از هموچیزی که مترسیدُم به سرُم آمد. گفتُم: «حوصله که درُم ولی...» که دیدُم پشت سرم ظاهر شد و گفت: «زود درستش می‌کنیم که به کارهات برسی.»

سرتانه درد نیارُم، تا دم افطار، بالای پشت بوم بودم و داشتن ربناره مگفتِن که کارمان تموم رفت. وقت نشد بازم کولر خودمانه درست کنُم. ایم از ای.

در حاشیه برگزاری امتحانات آخر سال تحصیلی!

دارکوب
صفحه طنز پنج شنبه‌ها

کارتونیست: محمدجواد طاهری

دیکتیونواری

برنج: berenj - نوعی گیاه که محصولش به عنوان قوت غالب و کیسه‌اش به عنوان کیف دستی استفاده می‌شود، اگر کسی بتواند بخرد. برای رشد نیاز به آب زیادی دارد که خب الان در این بی‌آبی دیده شده وسط ترک‌های کویر هم برنج می‌کارند، چون پول توشه. به تازگی اعلام شده که فقط ۱۵ میلیون ایرانی می‌توانند به راحتی برنج بخرند که شاید آن ۷۰ میلیون دیگر یا رژیم دارند، یا نان می‌خورند.

کولر گازی: koolergazi - وسیله‌ای برای خنک کردن محیط. در اصطلاح به افرادی که خودشان خنک هستند هم گفته می‌شود. در منابع تاریخی آمده که اولین بار خارجی‌ها این کولر را اختراع کردند ولی وقتی قبض برق‌شان آمد دودستی توی سرشان کوبیدند با این اختراع‌شان. ولی ایرانی‌ها آن را وارد کردند چون خارجی بودو البته پس از آن به فکر راه‌های جایگزین برای جبران قبض‌اش افتادند. یکی از این راه‌ها که چندی پیش اعلام شد، روشن نکردن کولر گازی در ادارات بود که احتمال می‌رود تبدیل به بهانه جدیدی برای «امروز برو، فردا بیا»های تازه شود.

مرغ و تخم مرغ: morgh&tokhmesh - نوعی جانور اهلی که روی دوپا راه می‌رود (که دیده شده قیمت پاهایش از خودش بیشتر است) و در یک پروسه پرسروصدا تخم می‌گذارد تا تبدیل به بچه‌اش شود، ولی انسان دوپای آن را برمی‌دارد و می‌خورد. گفته می‌شود اولین بار در زمان انسان‌های اولیه، یک مرغ اولیه کنار منقل آتشی تخم اولیه گذاشته که قل خورده و روی سنگ داغی افتاده و نیمرو ی اولیه اختراع شده است. یکی از سخت‌ترین سوال‌های فلسفی که هر سال در کنکور فلاسفه می‌آید این است که آیا اول مرغ بوده یا تخم‌مرغ، که پژوهشگران به تازگی به این نتیجه رسیده‌اند اول مافیای مرغ و تخم‌مرغ بوده است که هروقت عشقش بکشد، قیمت این دو را تکان می‌دهد.

بیت کوین: bitkoin - نوعی سکه طلایی است که وجود دارد ولی دیده نمی‌شود. بنا به گفته کارشناسان، این سکه برای اولین بار در دوران پادشاهی «آنتونی کوین» ضرب شده که به عنوان مهریه به همسرش تقدیم کرده و از آن پس به «ملکه بیتها» تغییر نام داده است. قیمت آن بر اساس «الان یا الان» تغییر می‌کند و قرار است خسارت بورس را جبران کند، اگر خودش جای بورس را نگیرد.

به کوشش یک کاردار

در حاشیه افتتاح پارک محیط‌بان در کرج
آهو: کاش همون شیره منو خورده بود تا بلای گور خر آفریقایی سرم نیاد!

طرح ورزشی - تفریحی آموزش شکار مرغ به بازنشستگان گرامی

کارتونیست: علی کاشی

فقط ۱۵ میلیون ایرانی راحت برنج می‌خرند!

فال روز

ای صاحب فال، در فالت چهار تا دایره می‌بینیم. صبر کن... دایره‌ها در حال چرخیدن هستند... اوه اوه...! مثل این که چرخ ماشین هستند... تبریک! گویا به زودی صاحب یک خودرو خواهی شد. حواست باشد که در این اوضاع گرانی شیرینی و مشتلق ما را هم بدهی. ماشین داری؟ صبر کن... خب پس ممکن است به معنی از دست‌دادن ماشین هم باشد. بی‌خیال، این فال را نشنیده بگیر... چه بساطی شد!

شعر روز

دوبیتی‌های خبری هفته

نان گران نمی‌شود

نخواندم من اگر علم سماوات
اگر نابرده‌ام ره در خرابات
ولی این را که می‌دانم اقلا
نمیشه نان گران تا انتخابات!

*

اولویت تزریق واکسن با چه کسانی است؟

بود با آن که رد از مال و جان شد
و با بیمار خسته همزبان شد
و صد البته بعدش شهردار
که بگذشت از مقام و پاکبان شد!

*

موج چهارم کرونای مازندران در آستانه شکست

بکن شکر خدا، موج چهارم
کند گور خودش را کم کمک گم
پس از آن هم به سمت موج بعدی
روان گردیم با یاری مردم!

مجید رحمانی صانع

*****

فشار قرنطینه!

«تا نیمه چرا ای دوست؟» یا باز شو یا بسته
بگشای دکانت را آهسته و پیوسته
این حرف بگفتم من بر کاسب و بازاری
گفتند که ما هم نیز گشتیم دگر خسته!
گفتم که خیابان‌ها خلوت شده و تاریک
نفعش به کجا باشد آن پسته بی‌هسته؟
بی‌مشتری و بی‌روح خالی ز شلوغی‌ها
بر چهره این بازار بس گرد که بنشسته
ناگاه بدیدم من جمعی زده بر دورم
یک حلقه گرداگرد، یک فرد نه! یک دسته
یک شخص ز تعزیرات یک آن سوی من آمد
گفتا: تو که می‌باشی؟ هستی ز کجا رسته؟
ترسیده و گرخیده، گفتم که کجا؟ چی؟ من؟
با لحن خراب و زار با لکنت و بشکسته
اقرار نمودم که آثار قرنطینه است!
دلگیر ز تنهایی از لاک خودم جسته
گفتا دهمت اخطار، این دفعه آخر هست
گر باز شود جایی، دست تو شود بسته!

شیما اثنی عشری

دیفال
ارسال

یک جعبه زولبیا و بامیه

نوع: در حد نو
قیمت: تخفیف پای معامله

توضیحات:
به دلیل قرار گرفتن در روزهای پایانی ماه رمضان و همچنین مخالفت‌های سرسختانه همسرم برای مصرف هرگونه شیرینی‌جات، یک بسته تقریبا دست‌نخورده زولبیا و بامیه زیر قیمت بازار به فروش می‌رسد. فقط یک تیکه از کنار زولبیاش کندم که همسرم فهمید و قضیه منتفی شد
تخفیف ویژه برای کسانی که به خاطر عکس گرفتن و قراردادن در اینستا، لازم دارند. ارسال رایگان به شرط این که یک بامیه ازش بهم بدین